

۱۹کشته و۱۱مصدوم در تصادف ۲ون

تصادف دو دستگاه ون حامل زائران در جاده کاظمین به سامرا منجر به مرگ ۱۹ نفر و مصدومیت ۱۱نفر دیگر شد. حسین درخشان، رئیس مرکزکنترل عملیات امداد و نجات هلال احمر در کشور عراق به ایسناگفت: ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه شامگاه جمعه ۱۰ شهریور امسال، دو دستگاه ون عراقی در محله امامزاده سید محمد با هم تصادف کردند.در این تصادف ۳۰ نفر دچار حادثه شدند که ۱۹نفر فوت و ۱۱نفرهم مصدوم شدند. ۱۲نفر از افراد فوت شده ایرانی، چهار نفر تبعه افغانستان و سه نفر عراقی هستند، مصدومان این حادثه که هفت ایرانی و چهار افغانستانی بودند، به بیمارستان شهر بلد در کشور عراق منتقل شدند.

«جام جم» از جزئیات

هولناک جنایت‌های یک زن

میانسال گزارش می‌دهد



محمد غمخور

دبیرگروه حوادث

۱۳ سال بعد از اعدام مهین قدیری در زندان قزوین که اولین زن پرچمدار قتل‌های سریالی در ایران بود که پنج زن و یک مرد را کشت تا با سرقت پول، طلا و اموال‌شان، پول‌ویله‌ای اساسی به جیب بزند، روح شیطانی او این بار در جسم و روح یک زن مازندرانی به نام کلثوم حلول کرد تا او هم به طمع پولدار شدن، شوهران پیر و فروتوش را با اجرای نقشه‌ای دقیق به قتل برساند. نقشه‌ای که ۱۰سال تمام مو لای درز آن نرفت و کلثوم تا ۵۶سالگی هفت شوهر صیغه‌ای‌اش را به شیوه‌های مختلف راهی سینه قبرستان کرد اما در آخرین قتل، مشتش باز و توسط پلیس دستگیر شد.

آخرین قتلی که «کلثوم» انجام داد، در محمودآباد مازندران اتفاق افتاد و برای همین شرایط در این شهر عادی نیست. بسیاری از اهالی محل، از زن میانسالی صحبت می‌کنند که شوهرانش را کشته است. زنی‌که ظاهر موجه و موقری داشت اما هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد پشت آن چهره به ظاهر مهربان و آرام، هیولایی آدمکش پنهان شده باشد که به‌راحتی آب خوردن، آدم می‌کشت و بعد از قتل، پروژه بعدی آدمکشی را درست مثل قاتلان حرفه‌ای و با تمام ریزه‌کاری‌هایش برنامه‌ریزی و اجرا می‌کرد. در مازندران و به‌خصوص محمودآباد شایعه پشت شایعه جان می‌گیرد. اولین شایعه در مورد تعداد قتل‌هاست. یک عده می‌گویند که او بیشتر از هفت نفر اکشته و احتمال دارد تا ۱۰نفر را هم کشته باشد. بعضی‌ها هم می‌گویند او از زمانی شروع به قتل کرد که تنها پسرش را که وابستگی شدیدی هم به او داشت، در اثر سرطان از دست داد و او نتوانست برای نجات جانش کاری کند. عده‌ای هم می‌گویند او از اواخر دهه ۸۰ و یا کشتن شوهر اولش آدمکشی را شروع کرد، بعضی هم می‌گویند، نه ماجرا این‌طور نیست و او از سال ۹۶ و با کشتن دومین همسرش که اولین شوهر صیغه‌ای‌اش محسوب می‌شد، قتل‌ها را شروع کرد. ماجرا آن قدر مبهم و پیچ در پیچ است که هر لحظه خبر و شایعه جدیدی از کلثوم روی کانال‌های خبری محلی و رسمی قرار می‌گیرد.

روایت‌های مختلف از قتل‌های کلثوم

بگذارد روایت‌های مختلفی که دهان به دهان میان مردم می‌چرخد را با هم مرور کنیم. اهالی می‌گویند کلثوم فقط یک شوهر عقدی داشت که شوهر اولش بود و از او یک دختر و پسر داشت. به‌گفته آنها، زندگی با او و مشکلات و سختی‌ها، از کلثوم موجود بیرحمی ساخته بود که دیگر نمی‌توانست آن را تحمل کند و برای همین تصمیم گرفت شوهرش را از سر راهش بردارد. برایش مهم نبود که بعد از ارتکاب اولین قتل آن هم در ۳۶ سالگی، چه بلایی سر دختر و پسرش می‌آید. صبح تا شب فکر می‌کرد و نقشه می‌کشید اما در مرحله اجرا، دست و دلش می‌لرزید. می‌ترسید جایی بند را آب بدهد، پلیس گیرش بیندازد و برای همین منصرف می‌شد. می‌خواست همه چیز بی‌نقص باشد. می‌دانست اگر لو برود، حکمش بی‌بروبگرد اعدام است و او هم این را نمی‌خواست و می‌خواست هم انتقام بگیرد و هم زندگی کند.

بااین‌که می‌ترسید اما فکر قتل مثل خوره به‌جان کلثوم افتاده بود. نقشه‌های مختلف قتل را بارها در ذهنش مرور می‌کرد تا هیچ نقطه ضعفی دست پلیس و هیچ‌کس دیگر ندهد. از بین سناریوهای مختلف، مسموم کردن بهترین راهی بود که از نظر خودش، هیچ‌کس به آن مشکوک نمی‌شد. شوهرش که به خانه آمد، قرص‌ها را داخل شربت ریخت و مرد بی‌خبر از

صیغه

قتل



«کلثوم» پس از دستگیری درپلیس آگاهی

همه جا، شربت مرگ را سرکشید اما چند دقیقه بعد حالش بد شد و روی زمین افتاد؛ «کلثوم کمکم کن... دارم می‌میرم.» اما کلثوم مثل یک غریبه، با چشمانی بی‌خزده و بی‌روح بالای سر شوهرش ایستاده بود و با لذتی عجیب، جان کندن او را تماشا می‌کرد. چند دقیقه که گذشت، مرد دیگر مطمئن شد که زنش واقعا قصد جانش را کرده. پلک‌هایش دیگر سنگین شده بود و توان ایستادن نداشت. چشم‌های بی‌رمقش همان‌طور که به کلثوم خیره مانده بود، یک‌دفعه بسته شد. بعد از کشتن شوهر، حالا نوبت اجرای نقشه بعدی بود. کلثوم انگار نه انگار که شوهر خودش را کشته بود. طوری شیون و واویلا به راه انداخت که هیچ‌کس فکر نکرد شاید قاتل خود او باشد. همه نگران کلثوم بودند که حالا با داشتن دو بچه، چطور باید مخارج زندگی‌اش را تامین کند.

مردم روایت دیگری هم از اولین قتل کلثوم دارند و می‌گویند او اولین بار زمانی مرتکب قتل شد که با شوهر دوم صیغه‌ای‌اش که یک پیرمرد ۸۵ ساله بود در ساری آشنا شد و با هم به صورت موقت ازدواج کردند. البته که کلثوم قصد زندگی واقعی نداشت. بچه‌های پیرمرد فکر می‌کردند سر و همسری برای پدر پیرشان پیدا کرده‌اند و از این بابت خوشحال بودند اما کلثوم برای مال و منال زیاد پیرمرد نقشه کشیده بود. کلثوم چند ماهی را در خانه او زندگی کرد و بعد هم بساطش را جمع کرد و رفت اما با رفتن او، پیرمرد مرد. بعد از این

هم چند بار دیگر ازدواج کرد اما پایان این ازدواج‌ها یک روایت مشترک داشت؛ مرگ شوهر. از همین جا بود که پیچ‌های فامیل،

تپسی هک شده، بخشی از اطلاعات کاربران به دست هکرها افتاد. به گزارش زومیت، میلاد منشی‌پور، مدیرعامل تپسی خبر داده که هکرها به بخشی از اطلاعات کاربران تپسی دسترسی پیدا کرده‌اند. ظاهرا هکرها به دنبال اخاذی بوده‌اند اما این شرکت تصمیم گرفته تا با هکرها همکاری نکند. تپسی جلوی دسترسی بیشتر هکرها را گرفته اما هنوز مشخص نیست چه بخشی از اطلاعات این شرکت به دست آنها افتاده است. احتمالا طی روزهای آینده هکرها اطلاعات کاربران تپسی را منتشر خواهند کرد. مدیرعامل تپسی ضمن ابراز تأسف از این بابت، مسئولیت آن را پذیرفته و وعده داده تا بررسی دقیقی روی موضوع انجام داده، اطلاعات تکمیلی را ارائه کند.

هک اطلاعات رانندگان

و مسافران تپسی

آگاهی محمودآباد رفت و گفت: «بدرمان فقط بیماری قند داشت، داروهایش را به‌موقع می‌خورد و رژیم غذایی‌اش را رعایت می‌کرد. یک روز همسر صیغه‌ای او تماس گرفت و از مرگ پدرمان خبر داد. روزهای اول شوکه بودیم اما بعد به همسرش شک کردیم. این زن می‌گفت مهریه‌اش ۵۰۰ سکه است و باید این مهریه را به او بدهیم ما بخش زیادی از مهریه را دادیم. حالا فکر می‌کنیم مرگ پدرمان توطئه این زن بوده تا به این پول برسد به همین خاطر درخواست رسیدگی داریم.»
همین خاطر درخواست مرد جوان، تحقیقات جنایی برای کشف راز یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های سریالی مازندران آغاز شد. کلثوم با دستور قضایی احضار شد اما در تحقیقات شروع به تناقض‌گویی کرد که باعث شک ماموران شد و به بازجویی از او ادامه دادند تا این‌که او پرده از راز قتل پیرمرد ۸۲ ساله برداشت: «چند بار در آب قرص‌های دیابت را حل کرده و به شوهرم دادم که هر بار بی حال می‌شد اما بعد از مدتی دوباره به هوش می‌آمد. وقتی دیدم از این راه نمی‌توانم به هدفم، یعنی کشتن او برسم، آخرین بار وقتی بی‌حال شد، خفه‌اش کردم. بعد با خانواده‌اش تماس گرفتم و گفتیم او به خاطر بیماری فوت کرده است. ۵۰۰ میلیون تومان مهریه‌ام بود که از ورته‌اش خواستم مهریه‌ام را بدهند تا بتوانم خانه‌ای بگیرم و زندگی کنم.»

اعتراف به قتل‌های دیگر

با اعتراف کلثوم، تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد و ماموران که احتمال می‌دادند او مرتکب قتل‌های دیگری هم شده باشد به تحقیقات خود ادامه دادند و به سرنخی در گذشته او رسیدند که احتمال قتل‌های سریالی توسط او را مطرح کرد. بررسی‌ها نشان داد، او تاکنون بیش از ۱۲ بار ازدواج موقت داشته که در هفت مورد از ازدواج‌های قبلی خود، شوهرانش چند ماه بعد از ازدواج فوت کرده‌اند.

با ادامه بازجویی‌ها، کلثوم پرده از جنایت‌های دیگرش هم برداشت، «برای این‌که بتوانم مشکل مالی‌ام را برطرف کنم، نقشه قتل پیرمرد‌ها را اجرا کردم. وقتی می‌فهمیدم پیرمرد پولداری دنبال همسر است قبول می‌کردم با او صیغه شوم و ملک زمین پول و وسکه به عنوان مهریه تعیین می‌کردم. بعد از دو تا چهار ماه از عقد موقت، با دارو آنها را می‌کشتم، طوری نقشه‌ام را عملی می‌کردم که کسی شک نکند و فکر کنند او پراثر بیماری و کپولت سن مرده است. بعد از مرگ آنها، مهریه‌ام را مطالبه می‌کردم که بین ۷۵ تا ۵۰۰ میلیون تومان بود.»
فرزندان قربانیان او بعد از احضار برای پیگیری پرونده از شنیدن ماجرا شوکه شدند، چون در این سال‌ها فکر می‌کردند پدران‌شان به مرگ طبیعی فوت کرده‌اند.

روایت پلیس از قتل‌های سریالی

سردار حسن مخفمی‌شهرستانی، فرمانده انتظامی استان مازندران در این باره گفت: تحقیقات در این پرونده بعد از مرگ مشکوک مرد ۸۲ ساله‌ای در محمودآباد آغاز شد. در جریان تحقیقات به همسر صیغه‌ای او که زن ۵۶ساله‌ای بود، مشکوک شدیم. این زن تحت تعقیب قرار گرفت و در بازجویی‌ها به قتل شوهر و در ادامه به قتل شش مرد دیگر اعتراف کرد تا تعداد قربانیان او به عدد هفت برسد.
وی ادامه داد: گزینه‌های او، افراد متمول و مسن بودند که به عنوان همسر صیغه‌ای با آنها ازدواج می‌کرد. کلثوم افراد متمول باستین حدود ۷۵ تا ۸۰سال به بالا را انتخاب می‌کرد و این قتل‌ها در شهرهایی مثل ساری، نکا، محمودآباد، بابل و قائم‌شهر اتفاق افتاده است. او هر قربانی را از یک شهر انتخاب می‌کرد تا به نوعی ردی از خود باقی نگذارد. بردازند. خانواده شوهر هم دادند اما اصرار کلثوم برای گرفتن مهریه و مرگ ناگهانی پدر برای پسر خانواده قابل هضم نبود. او احساس می‌کرد یک جای کار می‌لنگد.
اوصبح به اداره

دادگستری و پلیس از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرده‌اند.

جام جم

حوادث

INCIDENT

یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ ۱۲ شماره ۶۵۷۶

🔴 کوتاه از حوادث

دستگیری جیب‌بران بهشت زهرا

دو خواهر سابقه دار و عروس خانواده که برای پرداخت رد مال پدر خانواده با هم در بهشت زهرا جیب‌بری می‌کردند، بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، از اوایل خرداد امسال ماموران پلیس در جریان شکایت‌های مشابه جیب‌بری در بهشت زهرای تهران قرار گرفتند. تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش زنی به پلیس ۱۱۰ نگ زد و اطلاع داد زنی سارق را در مراسم سوگواری یکی از اقوامش بازداشت کرده که ماموران به آنجا رفته، و زن سارق را تحویل گرفتند و هشت‌گوشی سرقتی از او کشف شد. متهم زن به نام مریم به شعبه دوم بازرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران منتقل شدوگفت: یک‌سال قبل موتورسواری کیقم راسقت کردمردی به نام شهرام دنبال سارق رفت و کیقم را پس گرفت. همین باعث آشنایی‌مان شد. می‌گفت پدرش کارخانه‌داری بوده که فوت شده‌است. قرار بود بعد از ازدواج من را به آلمان ببرد. با وجود مخالفت خانواده‌ام با او ازدواج کردم اما چند ماه بعد از ازدواج فهمیدم او دروغ می‌گفت و با خواهرانش سارق و جیب‌بر هستند. پدرش هم به دلیل فریب افراد به بهانه‌تپه‌ویزای آلمان در زندان است و باید پنج میلیارد تومان رد مال بدهد. همسرم و خواهرشوهرهایم برای رد مال پدرشان جیب‌بری می‌کردند و من هم مجبور شدم با آنها همکاری کنم. ابتدا برخی سوزه‌ها را از روی آگهی‌های تسلیت در روزنامه‌ها یافته، به محل سوگواری می‌رفتیم و در آن شلوغی جیب‌بری می‌کردیم. گاهی نیز به بهشت زهرا رفته و آنجا سرقتم می‌کردیم. در آخرین سرقتم، یکی از مهمانان متوجه شد، دستم را گرفت و ناکام ماندم. دو خواهرشوهرم فرار کردند و من بازداشت شدم.

با اعتراف وی دو خواهرشوهرش هم بازداشت و به جرایم‌شان اعتراف کردند. علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهمان، تحقیقات از آنها ادامه دارد.

کشف جسد در دانشگاه آزاد

جسد مردی ۳۰ روز پس از مرگ در محوطه دانشگاه آزاد در غرب تهران پیدا شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح شنبه یازدهم شهریور امسال یکی از کارکنان دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات در غرب تهران با جسد مردی ناشناس مقابل ساختمانی نیمه کاره در محوطه دانشگاه روبه‌رو شد. او با دیدن این صحنه خود را به پرسنل حراست و مسئولان دانشگاه رساند و ماجرا را اطلاع داد. در ادامه بازپرس وتیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه تیم تحقیق پلیس جنایی حکایت از آن داشت که از مرگ این مرد جوان نزدیک به ۳۰ روز می‌گذرد و علت دقیق مرگ او مشخص نیست. مدارک شناسایی نیز همراهش نبود. وجود آثار ضربه روی جمجمه و بدنش احتمال می‌داد از بلندی به پایین پرت شده باشد. جسد برای مشخص شدن علت مرگ و سم‌شناسی به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین قرار شد پرونده‌های افراد گمشده در پلیس آگاهی و کلانتری‌ها بررسی شود تا شاید ردی از هویت مرد فوت شده و خانواده‌اش به دست آید.

اعتراف مردی به قتل همسرش

مردی که همسر خود را به قتل رسانده و گریخته بود، بازداشت شد. در پی اعلام خبری مبنی بر وقوع تیراندازی در یکی از خیابان‌های ساوه توسط راننده یک دستگاه خودروی سواری و زخمی شدن خانمی ۳۴ساله، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. زن زخمی به بیمارستان منتقل و به دلیل شدت جراحات فوت کرد. در جریان تحقیقات معلوم شد او با شوهرش اختلاف داشته است. همسر مقتول به عنوان مظنون دستگیر شد که در تحقیقات به قتل همسرش با انگیزه اختلاف خانوادگی اعتراف کرد.

🔴 در حوادث پلاس بخوانید

گفت‌وگو با بهمن پرورش که رکورددار کشف غریق است

ناگفته‌های جادوگر آب‌های ایران

توصیه مهم پلیس به زائران اربعین